



کمونیست

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

۵۰ ریال

آذرماه ۱۳۶۶

سال پنجم - شماره ۳۴

راه کارگر و معضل برنامه (۲)

کشورهای خودتوا مکنند. سوسیالیسم قلمداد شدن سرمایه داری دولتی اردوگاه شوروی به احزاب لیبرال و سوسیال دمکرات در اروپای غربی امکان داده است که رفرمهای "دولت رفاه"، "سیستم بیمه ها" و "آزادی اتحادیه ها" در چهره چوب دموکراسی بورژوازی را در قیاس با واقعیت شوروی به رخ کارگزاران اروپا شیی بکشند، با اتکا به نمونه شوروی آرمان ها و مبارزه سوسیالیستی طبقه کارگر را خوا روهغه کنند و جنبش طبقه کارگر را در سر خوردگی از این "سوسیالیسم واقعاً موجود" به سازش رسمی و علنی با سرمایه داری فرا خوانند. اما در میان بورژوازی عقب مانده - در آن کشورهایی بقیه در صفحه ۸

۲- ناسیونال - رفرمیسم شوروی

در حدود نیم قرن اخیر شاعرهویی قدیمی بورژوازی "مالکیت، میهن، مذهب و خانواده" به مرور و پنهان و آشکار با این جزء تازه تکمیل شده است: "سوسیالیسم یعنی شوروی"! جریانات و احزاب بورژوازی در اردوگاه مقابل نیز ارزش صرفاً این شاعر را کشف کرده و در پرا تیک خود بکار بسته اند. ترا د ف "سوسیالیسم - شوروی" به احزاب محافظه کار و دست راستی در اردوگاه امپریالیستی غرب کمک کرده است - خصوصیت ها و صف آرایی های امپریالیستی بین دوا ردوگاه را در عین حال با آنها جمعی علیه سوسیالیسم و طبقه کارگر در دادا - خسل

کارگران و قانون کار جمهوری اسلامی!

مسالها قانون کار، پیش نویس های اسلامی اولیه و اصلاحات بعدی آنها، تاکنون برای جمهوری اسلامی اساساً تلاشی برای سرکوب و عقب نشاندن مطالبات کارگری بود. با لایحه اخیر کارگزاران تصویب قرار گرفته آن جمهوری اسلامی تلاش دیگری آغاز کرده است. تلاش برای اینکه جنبش کارگری را در محدوده عقب نشینی های صوری ای که نسبت به پیش نویس های اولیه اسلامی در لایحه اخیر قانون کار به آن تن داده است به تسلیم و سازش بکشانند.

اینکه مقول این قانون کار در دست تصویب و حدود عقب نشینی های رژیم چیست و تلاش جمهوری اسلامی برای به تسلیم و سازش کشیدن جنبش کارگری تحت لوای این قانون بر چه مبنایی استوار است، و با سطح طبقه کارگر در مقابل این تلاش چه باید باشد، موضوعاتی است که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت. ذرا ابتدا مفید است که با ردیگر جنبه های مهم مبارزه تاکنونی بر سر قانون کار رومکاتی را که خواست قانون کار در جنبش کارگری داشته است بطور فشرده هم که شده یادآوری کنیم.

قانون کار شکل طرح جامع مطالبات سرسری "خواست قانون کار" برای جنبش کارگری ایران چه جاشی داشته است...؟ طبقه کارگر ایران با وجود تمام پراکنندگی و ضعف های خود وقتی که به میهن تجربه انقلاب و قیام، خود را رودر روی قدرت سیاسی و کسل دولت سرمایه داری یافت پی برد که در چگونگی طرح مطالبات اقتصادی و رفاهی خود نیز دیگری نمیتواند به آن اشکال محدودی بسنده کند که این مطالبات در مبارزات بخشهای مجزا طبقه کارگر و بطور محدود و پراکنده در مقابل کارفرمایان طرح میشدند. طبقه کارگر باید بقیه در صفحه ۲

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

به مناسبت جانباختن رفیق جعفر شفیعی (عضو کمیته مرکزی ح.ک.ا.) صفحه ۵



در بزرگداشت یاد رفیق جعفر

خبر درگذشت تاسف انگیز رفیق دکتر جعفر شفیعی در روز پنجشنبه هفتم آبانماه، بوسیله اطلاعیه هایی که از سوی کمیته مرکزی حزب و کمیته مرکزی کومهله انتشار یافت با اطلاع عموم رسید. روزنهم آبان در کردستان، جنازه رفیق توسط مدها پیشمرگ مسلح و پرچمهای سرخ تاگورستان تشییع شد و در میان اندوه انبوهی از یاران حزبی و مردم دوستدارا و به خاک سپرده شد. این مراسم با بقیه در صفحه ۶

در کردستان انقلابی...

وضعیت کارگران روستایی در کردستان

صفحه ۱۴

گرامی باد یاد جانباختگان راه سوسیالیسم

صفحه ۲۵

از میان نامه ها

صفحه ۲۶

رادیو در خدمت انتقال تجارب رهبران عملی کارگران

صفحه آخر

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونئیست ایران به مناسبت جانباختن رفیق جعفر شفیع

(عضو کمیته مرکزی ح.ک.ا.)

کارگران ، زحمتکشان !

با کمال تأسف و تاسف و تاسف عمیق رفیق جعفر شفیع عضو کمیته مرکزی حزب کمونئیست ایران و عضو کمیته مرکزی کومه له که برای انجام یک ماموریت تشکیلاتی از کردستان عازم خارج کشور بود ، غروب روز پنجشنبه هفتم آبانماه بر اثر تصادف اتومبیل حامل او در کشور عراق جانباخته است . بی شک غم ز دست دادن رفیق جعفر با رگرائی است بر قلب همه ما ، همه انسانهای آزاده ، انقلابی و کمونئیست .

رفیق جعفر چهره‌ای شناخته شده در جنبش کمونئیستی ایران ، از بنیانگذاران حزب کمونئیست ، رهبری محبوب در میان کارگران ، رفقای حزبی و توده‌های ستمدیده و مبارز کردستان و از جمله کسانی است که حزب ما بسیاری از پیشروی‌های خود را به او مدیون است . او در زمره آن رهبرانی بود که جنبش کمونئیستی و طبقه کارگر را بدرنگ سالها مبارزه و بسی تجربیات سخت و دشوار را از سر بگذراند تا همچون او را در دامن خود پرورده کند ؛ از آن رهبران کمونئیستی که نشان ، کردارشان و هر حرکتشان در میان توده‌های وسیع کارگران با آوازه و مظهر و برانگیزاننده مبارزه در راه‌ها بی از چنگال بردگی و نابرابری و استثماری است ؛ یعنی رهبران کمونئیست توده کارگران و زحمتکشان .

رفیق جعفر شفیع طی سالها مبارزه سیاسی و کمونئیستی در برابر نظام جور و ستم سرما به ، علیه رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی و در رهبری جنبش انقلابی خلق کرد و وظایف پر مسئولیت و سنگینی بعهده داشت . او در مسئولیتها و موقعیتهای مختلف تشکیلاتی ، در کمیته مرکزی و دفتر سیاسی کومه له ، در کمیته مرکزی حزب کمونئیست ایران ، در سردبیری رادیو صدای انقلاب ایران ، سردبیری نشریات حزبی ، در نوشتن و سخنرانی‌ها ، ماموریت‌های متعدد سیاسی و تشکیلاتی ، و بطور کلی در انجام همه وظایف سیاسی و حزبی نمونه‌ای برجسته از ایمان کمونئیستی ، کاردانی و فداکاری بوده و یکی از پرچمداران و پیشتازان برجسته ، پراچ و خستگی‌ناپذیر حزب ما در تبلیغ و ترویج کمونئیسم ، در آگاه کردن ، متحد نمودن و متشکل ساختن کارگران ، در افشای عوامفریبان و مبارزه علیه رویزیونیست‌ها و مدعیان دروغین ما رکسیسم و کمونئیسم بود .

بیشک فقدان او برای حزب و طبقه ما ضایعه بزرگی است .

اما در عین حال نام و خاطره درختان رفیق جعفر همه جا در وطنین آوای امیدبخش و روزمنده کمونئیسم ، در نبرد قاطع علیه دشمنان آزادی و بشریت استثماری شده ، در رسوا کردن دشمنان ما سگدار طبقه کارگر ، در رهنمودی طبقه ما برای نیل به سوسیالیسم و کمونئیسم ، در راهی که دهها و صدها کارگر کمونئیست برگزیده اندنقش از خود به یادگار گذاشته که برای همیشه ماندنی است . راه‌هایی طبقه ما راهی پرا زهرمانی‌ها ، از خودگذشتگی‌ها و جانباختگی‌ها بی شما راست و بی گمان زندگی و مبارزه دکتور جعفر آئینه تمام نمای این راه بود .

با در رفیق جعفر عزیز دردل پرولتاریای آگاه ، در دل هم‌زمانش و پیشروان کمونئیست طبقه کارگران مبارز مبارزه در راه بنای جهان انسانهای آزاد و برابرخواه و دود و غم از دست دادنش به عزمی را سخ‌تور در برانداختن دنیا ی فقر و بندگی بدل خواهد گشت .

زنده باد سوسیالیسم

گرامی باد در رفیق جعفر شفیع

زنده باد آزادی ، برابری ، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونئیست ایران

هفتم آبانماه ۱۳۶۶

دربزرگداشت یاد رفیق جعفر

دا نشجوی نخستین عرصه مبارزه سیاسی رفیق جعفر بود. در مدتی کوتاه به یکی از فعالین موشرجنبش دانشجویی در تبریز تبدیل شد.

مبارزه جوشی و دلپستی اش به راه‌های زحمتکشان موجب شد سرعت در جمع رفقای کومه‌له‌جای خود را با زکندا زسوی دیگر - پافشاری کومه‌له‌برلزوم‌داشتن پیوندهای عمیق و گسترده با زحمتکشان موجب جهت‌گیری مستقیم‌تر و بسط کارگران و زحمتکشان و برداختن به مسائل آنها شد. به همین صمیمیت و زود آشنائی با رزی که از خلعت‌های برجسته و بودتوانست در اندک زمانی انبوهی از روابط و پیوندهای صمیمانه و انقلابی با کارگران و زحمتکشان شهر تبریز و روستاها و شهرهای شمالی کردستان که برای معالجه به بیمارستان‌های تبریز می‌رفتند برقرار کند. هریک از این روابط به هم‌پنوبه خود برای این رفیق انقلابی و مشکل‌راهی برای ایجاد روابط با زهم‌سایر محلات شهرها، روستاها و محافل کارگران و زحمتکشان در اینجا و آنجا بازمیکرد. رشته‌پزشکی هم‌خود زمینه‌ساز عددیگری بود برای گسترش دادن این روابط و همچنین پوششی برای مخفی نگاه داشتن بسیاری از این روابط که روز به روز بیشتر به راه‌های سیاسی تبدیل می‌شدند. او در دوران دانشجویی اش در تبریز توانست دوستان بسیاری در میان کارگران کفایش، قالیباف‌ها و کارگران ماشین‌سازی تبریز پیدا کند. تلاش بی‌وقفه اش این بنیاد که روابط دوستانه و سیاسی خود را با این کارگران تا تبدیل آنها به روابط سیاسی تشکیلاتی ارتقاء داد. او می‌توانست تلاشها رفیق جعفر به یکی از رهبران فعلی سیاست - تشکیلاتی کومه‌له‌در میان کارگران در شهرهای تبریز و بوکان تبدیل شد.

در سال ۱۳۵۱ رفیق جعفر توسط ساواک دستگیر و زندانی شد. پس از شش ماه از زندان و از زیر فشار شکنجه نیز با سربلندی، همان‌طور که انتظار می‌رفت، بیرون آمد. او هیچ‌چیز از اسرار تشکیلاتی را بروز نداد و بودتوانست در زندان بترتیبی عمل کند که همه دوستان مبارز و رفقای تشکیلاتی اش از خطر مسموم بمانند. بمحض آزادی از زندان کار مبارزاتی و تشکیلاتی اش را از سر گرفت. اینبار رینه به پزشکی که به کارگری پرداخت. دوران کارگری برای او که اکنون یک انقلابی مشکل‌و‌بسا تجربه بود خود را نشگاه دیگری بود. او توانست در این دوران همانند یک کارگر همه‌سختی‌ها و دشواریهای کارش را وقت‌فرسا، محرومیت

چهره‌ای محبوب و آشنا برای توده‌های مردم. حال که او دیگر در میان ما نیست جا دارد از زایه آشنا کردن رفقای که رفیقی شایسته همچون دکتر جعفر را سرمشق خود قرار داده‌اند تجارب و خاطرات زندگی پرازمبارزه‌وارا، چه در هیات پزشکی دلسوز و پرکار برای مردم فقیر چه در هیات کارگری آگاه که ایجاب هسته‌های مخفی و سلول‌های کمونیستی را در میان کارگران دردستور کارش قرار داده‌بود، چه بعنوان یک رهبر حزبی و چه بعنوان یکک آژیتاتور توده‌ای می‌توانیم. . . . مرور کنیم. این قبل از هر چیز دعوتی است از رفقای که از قدیم تر هم‌زم و همکار رفیق جعفر بوده‌اند تا خاطراتشان را از درس‌هایی که رفیق جعفر خود از مبارزات و تجربیاتش گرفته‌بود بنویسند. ما در همین حال خواهان آنیم که مجموعه مقالات و سخنرانی‌های رفیق جعفر از آرشیوهای نشریات و اعلامیه‌های حزب استخراج و گردآوری شود تا نسل‌های دیگر این مردم ستم‌دیده و تحت‌استثمار و ستم‌خیز شخصیت، کارها و خدمات این انقلابی‌خستگی‌ناپذیر را از یاد نبرند.

* * *

.... رفیق جعفر در سال ۱۳۳۵ در شهر بوکان در یک خانواده مذهبی متولد شد. خانواده‌ای که زندگی ساده و متوسطی داشت و به تحصیل علم و سواد اهمیت بسیار میداد. او تحصیلات ابتدائی و دبیرستانی اش را در شهر بوکان به پایان رساند. در دوران تحصیل هم دانش‌آموزی برجسته و ممتاز نبود. در سال ۱۳۴۹ دبیرستان را به پایان برد و در همان سال به‌دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز رفت. از همان دوران دبیرستان به‌ستم‌و‌خفائی که رژیم شاه بر مردم روا داشته بود و بویژه در کردستان بطور ویژه و برجسته‌ای خودنمایی میکرد معترض بود. فقر و مشقات دیگری که مردم زحمتکش را آزار میداد مسا له‌ای جدی برای او بود. به این ترتیب او با روحیه‌ای معترض و با افکاری آدابخواهانه وارد دانشگاه شده بود و به همین خاطر خیلی زود در دانشگاه تبریز به فعالیت در جنبش دانشجویی پیوست که جنبش معترض علیه خفقان و استبداد بود. در همین دوره با ما رکیسیم و ادبیات چاپ آشنا شد و نخستین علاقه‌اش با ما رکیسیم و کومه‌له شکل گرفت. شرکت در جنبش

سرودا نترنا سیونال و فراخوان اتحاد و همبستگی جهانی به طبقه کارگر آغز شد و سپس از آن برای گرامیداشت یا همه‌جا نیاختگان راه‌سوسیا لیسم آغزادی یک دقیقه یکسوت اعلام گردید. در این مراسم ما بنما یندگان سازمانها و شخصیت‌های ایرانی و کردستانی شرکت داشتند. رفیق ابراهیم علیزاده عضو کمیته مرکزی حزب و دبیر اول کومه‌له نیز از جمله کسانی بود که در این مراسم دربار نقش و جایگاه رفیق دکتر جعفر سخنانی ایراد کرد. در پی این رویدادها گوارپها مهسا و نامه‌های بسیاری در اظهار همدردی و تسلیت برای کمیته مرکزی ارسال شده است. به علاوه در خارج کشور به همت هواداران و دوستداران حزب در شهرها و کشورهای مختلف چندین مراسم با دیود در گرامیداشت یا در رفیق جعفر تشکیل شده است. در این اجتماعات علاوه بر هواداران حزب و هم‌زمان رفیق، دوستان بسیار زیادی دیدگی هم‌به‌نشان همدردی و صمیمیت شرکت کرده‌اند. کمیته مرکزی کومه‌له به این مناسبت اطلاعیه کوتاهی منتشر کرده است:

با انتشار خبر جانباختن رفیق دکتر جعفر شفیعی تعداد زیادی از شخصیت‌ها و سازمانهای سیاسی، کمیته‌ها و ارگانهای حزبی، رفقای تشکیلاتی و مردم مبارز چه با حضور خود و چه با ارسال نامه و پیام همدردی خود را به مناسبت این واقعه بیان داشته‌اند. بدین وسیله سپاسگزاریم عمیق خود را از همه آنان اعلام میداریم و از اینکه نتوانسته‌ایم پاسخگوی تک‌تک این محبت‌ها باشیم پوزش می‌خواهیم.

کمیته مرکزی کومه‌له - ۶۶/۸/۱۵

را دیوهای حزب هم‌درفته‌های اخیر گفتارهای را به یاد رفیق دکتر جعفر شفیعی اختصاص داده‌اند. ما در اینجا به ذکر مختصری از گوشه‌های مختلف این گفتارها بسنده نمیکنیم. به این امید که در فرصتهای دیگر و مناسبت‌های دیگر بتوانیم خوانندگان را با گوشه‌های ناگفته‌ای از زندگی و تجارب رفیق آشنا کنیم که همه چیزش را وقف انقلاب و جنبش کمونیستی کرده بود. شخصیتی که از یکسویک انقلابی حرفه‌ای و یک کار در برجسته و پرکار حزبی و تشکیلاتی بود و از سوی دیگر

بی حقوقی، تحقیر و استنما را تجربه کنند. علاوه همسفره بودن و همقطر بودن با کارگران با زبانه‌ی صمیمیت و خونگرمی و زودآشنایی او اجازه میداد که نه فقط دوران کارگری خود را تجربه کند بلکه حقایق مشروح دیگری را از زبان دوستان کارگش بشنود که متعلق به زمانها و مکانهای دیگری بودند. حقایقی که تصویر بسیار روشنی از وضعیت زندگی و کار طبقه کارگران را به میدادند. و در این دوران بخوبی یاد گرفته بود که همه چیز را از چشم یک کارگر متناظر با دیگر طبقه‌ها در نظر بگیرد. هر یک که با او روبرو میشد، یک آژیتاتور کمونیست که بر او حتی میتوانست شنونده زحمتکش را تحت تاثیر قرار دهد به این خاطر بود که بخوبی میدانست که با او چه سخن میگوید.

رفیق دکتر جعفر شفیعی در سال ۱۳۵۶ طی یک ماه موریته تشکیلاتی به نژاد تاجیک میهنی و به کردستان عراق رفت و با او و جکیوری مبارزات توده‌ای مردم علیه رژیم شاه دوباره به کردستان ایران بازگشت و در نقش رهبر مبارزان توده مبارزات توده‌ای ظاهر شد. او این وظیفه را پس از حمله نظامی جمهوری اسلامی به کردستان در بیست و هشت مرداد ۵۸ نیز بخوبی و با شایستگی بسیار بر عهده داشت. ظاهر شدن بعنوان یک رهبر در همه عرصه‌های فعالیت سیاسی و توده‌ای و عضویت در هیات نمایندگی خلق کرد بهنگام مذاکره با دشمنان مردم‌وی را به مثابه یک رهبر فعال و همسازان به در جنبش انقلابی به همگان شناسانده بود.

رفیق جعفر از سال ۵۸ تا آخریسن روز حیاتش عضو کمیته مرکزی کومه‌له بود. رفیق جعفر همزمانندیک کار در پیشرو و کمیته عمیقاً به ضرورت تشکیل حزب سراسری طبقه کارگر واقف بود و خود فعلاً نه در پارا به‌گزای و تشکیل حزب کمونیست ایران شرکت داشت. رفیق عضو کمیته برگزیده رکننده کنگره موسس حزب و خود یکی از اعضای این کنگره بود. او از ابتدای تشکیل حزب تا زمان مرگ، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران نیز بوده است. از سال ۶۰ بخش اعظم فعالیت تشکیلاتی رفیق جعفر هدایت و رهبری نشریات حزبی، را دیوود دیگر ارگانهای تبلیغی حزب بویژه تبلیغات حزب

در کردستان بود. تبلیغات کمونیستی در کردستان همیشه از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. رفیق ابراهیم علیزاده در مراسم بغاک سپاری رفیق جعفر در این باره چنین میگوید: "... برای شناختن دکتر جعفر هرگز این کافی نخواهد بود که مکان و موقعیت تشکیلاتی را به خاطر بیاوریم. درست است که او در طی زندگی سیاسی و فعالیت تشکیلاتی خود همواره یکی از سیاست‌گزاران و رهبران اصلی تشکیلات ما بوده است اما این هرگز همه شخصیت و همه جوانب آن جایگاه را که رفیق جعفر داشت بهمان نشان نمیدهد. در کردستان یک جنبش انقلابی و توده‌ای برپا بود که یکی از مطالباتش و شاید مهمترین خواستش خود مختاری و حق تعیین سرنوشت برای مردم بود. طرح این خواست و بسیج توده‌ها در پیشبرد او استحکام مفوف این مبارزه حق طلبانه و وظیفه ما بود ما از آنجا ما پس از وظیفه فروگزای نکرده ایم. اما آنچه ما را از دیگر جریانات درون این جنبش متمایز میکرد، توان امروزه ما افتخار میکنیم که از این با بابت یک جریان متمایز هستیم، این بود که ما در کردستان در عین حال برخلاف عادات و اخلاقیات و فرهنگ و ایدئولوژی کهنه و علییه سن ارتجاعی نیز به‌خواسته بودیم و این کاری بزرگ و دشوار بود که ما با آن روبرو بودیم. در افتادن با سنتها، اخلاقیات، اعتقادات و روشهای گذشته و صدها سال در میان مردم ریشه‌دوانیده است در بین ما و اعتماد مبارزه توده‌ای که به بیشترین همدلی و اعتماد نیازمند است کارساده‌ای نیست. دکتر جعفر یکی از آن کسان و میتوانیم بگوییم نخستین کسانی بودند که به استقبال این امر خطیر شتافت. تبلیغات و نشریات کومه‌له و فعالیت همه مبلغین محلی ما که در عین بسیج کردن مردم برای ادامه مبارزه‌شان، اعتقادات نوین، اعتقادات خلاف جریان موجود، خلاف خرافات و سنن و عادات ارتجاعی را در میان توده‌های کارگرو زحمتکش در کردستان اشناسه میدادند تحت هدایت و نظارت رفیق جعفر بودند. اگر کسی میخواهد نقش رفیق جعفر را بهتر بشناسد باید نداند که چه خدمت ارزنده‌ای به جنبش کارگری و کمونیستی کرده است نگاه کند و ببیند که ایده‌های انقلابی و کمونیستی چطور در این سالها در دل جامعه سنتی کردستان علیرغم تلاشهای نیروهای ارتجاعی

برای ممانعت از گسترش آنها اشناسه یافته است و ببیند که چطور توانسته است به در بین جنبش همگانی صف مستقل طبقه کارگر و سنگر دفاع از منافع مستقل کارگران و زحمتکشان را حفظ کنیم. از اینروست که نقش و جایگاه رفیق جعفر هرگز از یادمان نخواهد رفت. بذری که بهیچ رفیق جعفر اشناسه نشده اکنون درختی تنای و راست، ایده‌های کمونیستی در دل مدها هزار کارگرو زحمتکش را به پیدا کرده است و اکنون هزاران انسان گرسنه و با برهنه و ستمدیده و محروم در کوره‌پزخانه‌ها کارگها و کارخانه‌های کردستان و هزاران زن ستمدیده و زحمتکش ممانعت شکت نا پذیر آتند. اینک اگر چه اشناسه جانباختن رفیق دکتر جعفر بر قلبها بمسان سنگینی میکند اما از جمله بهیچت و افسی در جلو چشمان ما روشن است که نباید بخشش پیروزی است. پیروزی طبقه کارگر...

به نقل از مقاله
جمهوری اسلامی و گسترش فلاکت

... فلاکت جاری و عوارض ناشی از جنگ نه تنها دامنگیر طبقه کارگر، بلکه توده‌های میلیونی مردم زحمتکش است. بر این زمینه عمومی مبارزه طبقه کارگر حول مطالباتی در جهت قطع فوری جنگ، تامین نان و مسکن و آزادی اکنون بیش از گذشته فا دست به حرکت‌های اعتراضی توده‌ها علیه فشارها و تضییقات رژیم دامن زده و توان مبارزاتی توده‌های وسیع زحمتکش و محروم جامعه را بسیج نماید. چنین شرایطی طبقه کارگر و در رأس آن پرولتاریای صنعتی ایران را در موقعیتی قرار داده است که عملیات و اندر مبارزه روزمره خود، مرکز و پیشانی مبارزه علیه فلاکت و تامین آزادی گردد. مطالباتی که در صورت تحقق یافتن نه فقط جمهوری اسلامی بلکه کل بورژوازی ایران را گامها به عقب خواهد راند. همین واقعیت کمونیست‌ها و پیشروان جنبش کارگری را به دور اندیشی، پشتکار و حساسیت بیشتر در ایفای نقش خود فرا میخواند.

جعفر شفیعی
تیرماه ۱۳۶۵

کارگران جهان متحد شوید!